

آیین پرستش شکتی در مکاتب شیوایی

محبوبه هادی نیا*

چکیده

شکتی در زبان سنسکریت به معنای نیرو و توان، و در متون مقدس هندو، به ویژه تتره‌ای، عنوانی است برای نیروی خلاق مؤنث که منشأ واحد تمام اشکال نیرو در عالم است. در مکاتب دینی تتره‌یی، شکتی تنها وجود حقیقی، معرفت محض و سعادت مطلق است که سراسر هستی با تحدید نیروی او شکل گرفته است.

از این رو، مانند برهمن در مکتب ادویته ودانته، سچیداننده¹ خوانده می‌شود و همانند برهمن با تنزل از مرتبه اطلاق و تجلی در اشکال و صور مختلف، عالم هستی را می‌آفریند و به کمک «وهم» و «مایا» در حجاب کثرات، پنهان می‌شود و به سیطره درک هیچ دانشی در نمی‌آید.

شکتی حرکت و نیروی عالم هستی را اداره می‌کند و در پایان زمان، همه یروهای عالم را به سوی خود می‌کشد و بدین ترتیب، عالم هستی را محو و نابود می‌سازد. از این رو، شکتی نیروی آفرینش، و در عالی‌ترین مفهوم علی خود، خدا مادری است که همه عالم از زهدان پاک او جاری می‌گردد و در تکمیل سیر وجودی خود میل بازگشت به سوی او دارد.

کلید واژه‌ها

شکتی، شیوا، لینگه، یونی، تتره.

* . دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

¹ . Satchidānanda

مقدمه

بی‌گمان کیش پرستش شکتی پیشینه‌ای بس کهن دارد و به عناصر دینی و فرهنگی ماقبل ودائی و کهن دره سند، یعنی فرهنگ اقوام دراویدی بازمی‌گردد.^۱ کشف تعدادی مجسمه گلی از الهه‌ای که در اندامهای جنسی و نمادهای باروری وی اغراق شده است، و نیز مهره‌هایی از آلت تناسلی زن (یونی)^۲ و مرد (لینگه)^۳ که به صورت نمادین با هم متحد شده‌اند،^۴ حاکی از وجود کیش پرستش مادر خدا و اعتقاد به نیروی مؤنث خلاق است که در آفرینش و اداره هستی نقش مؤثری بر عهده داشته است. شعائر آیینی این اقوام، ظاهراً شامل آیینهای مفصل جنسی، قربانیهای خونی و شعائر رمزآمیزی بود که به شدت مورد تحقیر و اهانت آریاییهای مهاجر قرار گرفت.^۵ آنها به منظور ممانعت از شرکت دختران خود در آیینهای جنسی بومیان، ازدواج کودکان را ابداع کردند که هنوز هم در میان هندوها مرسوم است.^۶

با گذر زمان و تأثیرپذیری آریاییهای مهاجم از دین و فرهنگ دراویدی، یکی از مهمترین عناصر دینی ودائی، یعنی پرستش الهه و نیروی خلاق مؤنث، همراه با آیینهای پرشور و مناسک عبادی و مراسم اتحادی جنسی، وارد دین هندویی دوره حماسی شد و به صورت کیش پرستش شکتی،^۷ یا کیش پرستش شکتی و شیوا^۸، در مکاتب فلسفی و دینی آیین شیواپرستی، و به ویژه شیواپرستی کشمیری موسوم به شیوایی تتره‌یی هویت شاخصی یافت.^۹ از این رو، ظهور پرستش الوهیت مؤنث (شکتی) در دین و فرهنگ هندویی، و تبیین آیینهای عبادی مربوط به آن مستلزم معرفی مکاتب شیوایی، به ویژه مکتب شیوایی تتره‌یی،

1. Crooke, W., "Hinduism", in *Encyclopedia of Religion & Ethics*, J. Hastings (ed.), Edinburgh, 1980, vol. 13, p. 706.

2. Yuni

3. linga

4. Lalan, P. S., *Tantra its Mystic and Scientific Basis*, New Delhi, 1976, p. 3.

5. Crooke, W., *ibid.*

6. Zimmer, H. "The Indian World Mother", *Mystic Vision*, New York, 1968, p. 74.

7. Śakti

8. Śiva

9. Frazer, R. W., "Śaivism", in *Encyclopedia of Religion & Ethics*, J. Hastings (ed.), Edinburgh, 1980, vol. 10, Pp. 93 – 94.

و بررسی مبانی اعتقادی و فلسفی آنان است. پس نخست به بررسی زمینه شکل‌گیری این اندیشه در تاریخ هندوئی می‌پردازیم.

۱. پرستش نیروی مؤنث و اعتقاد به مادر خدا در تمدن دره سند

در اوایل سده ۱۹ م، کشفیات باستان‌شناسی در دو منطقه مهم دره سند، یعنی موهنجودارو^۱ و هرپا^۲، نقاط مبهمی از فرهنگ و دین بومیان دره سند را روشن کرد که در شناخت عناصر الحاقی دین هندوئی مؤثر بود.^۳ بر اساس این یافته‌ها، خدای اصلی در دره سند دِهارینی دِتوتاه^۴ خدای زمین بود و شوهرش بهاترسی دِتوتاه^۵، خدای آسمان، تیراندازی و حیوانات وحشی و جنگل بود. علامت الهه تیرک چوبی سه‌شاخه‌ای به‌عنوان نمادی از زهدان او (یونی) و نیروی الهی جهانی‌اش (شکتی) بود. درون یونی، مجسمه‌ای سنگی قرار داشت که با لینگه، نماد ویژه شیوا مطابقت دارد. این مجسمه‌های سنگی هر روز با خون یک گاو وحشی یا بره شسته می‌شدند و گوشت این حیوانات را جهت باروری بر مزارع می‌انداختند. یک افسانه‌ای سنسکریت متعلق به قرن هفتم، از قربانی‌های انسانی خبر می‌دهد که تقدیم الهه خشم چندی‌کا^۶ می‌شد. قربانی دختری جوان بود که در معبد الهه قربانی می‌شد، و الهه آن نیروی حیات‌بخش عالم بود که از خون قربانی تغذیه می‌کرد. به این ترتیب، در دره سند آیین پرستش مادر خدا به گستردگی حاکم بود. پیکره‌های متعددی از الهه (دیوی) مادر کشف شده که به صورت مجسمه‌های گل رسی در مقابر و مزارع مدفون می‌شد، این پیکره زمخت، نازیبیا و فاقد رنگ‌آمیزی روشن‌اند.^۷ تنها یک مجسمه به رنگ سیاه از این الهه به دست آمده که او را به شکل زنی لاغر و سیاه نشان می‌دهد که کاملاً شبیه به مجسمه‌هایی است که در دوره هندوئی حماسی از کالی همسر شیوا موجود است.^۸

1. Mohanjo Daro

2. Harapā

3. Majumdar, R. C., *Ancient India*, Delhi, 1981, Pp. 25 – 26.

4. Dhārni Deotā

5. Bhātarsi Deotā

6. Chandī kā

7. Zimmer, H., "The Indian World Mother", Pp. 75 – 76.

8. Frazer, R.W., "Saivism", vol. 10, Pp. 93 – 94.

در کنار الهه مادر، آیین پرستش خدایی مذکر نیز وجود داشت که خویشاوندی بسیار نزدیکی با خدای شیوا در آیین هندویی دارد. در مهرها و مجسمه‌های یافت شده، خدای مذکور به شکل یک یوگین تصویر شده که در حالت مراقبه‌ای عمیق نشسته و سه چهره دارد. گاهی نیز بر روی یک گاو نر نشسته و حیوانات دیگر او را احاطه کرده‌اند. این تصویر، بسیار به چهره شیوا در دین هندویی، و به ویژه به صفت او «پشوپتی»^۱ (شهریار حیوانات) شباهت دارد.^۲

افزون بر اینها، مجسمه‌هایی از آلت تناسلی مرد در اندازه‌های مختلف نیز کشف شده، که بی‌شک نمونه نخستین پرستش لینگه در دین هندویی است و در بسیاری از موارد، به عنوان نماینده نیروی مذکر عالم با یونی یا تجسم نیروی خلاق مؤنث متحد شده‌است. کشف این مجسمه‌ها این باور را محکم ساخت که خاستگاه آیین پرستش شیوا و شکتی، و نظام‌های تربیتی یوگا، که رکن بنیادین دین هندویی را می‌سازد، به فرهنگ پیش از آریایی و کهن دره سند باز می‌گردد.^۳

۲. پرستش شیوا و شکتی در وداها

در وداها هیچ اشاره‌ای به یک نیروی مؤثر مؤنث که منشأ عالم هستی باشد، یافت نمی‌شود. البته الهه‌هایی همچون خدا بانوی زیبای صبحدم (اوشس^۴) مورد ستایش مردم بودند، که گاه مهربان و خوشخو، و گاه هراس‌انگیز و ویرانگر می‌شدند، چندان که با برپایی طوفان، درختان، خانه‌ها، دام‌ها و انسان‌ها را نابود می‌کردند. با این حال، آریاییها به یک نیروی مؤنث فعال و خلاق در عالم هستی اشاره‌ای نداشته‌اند و این‌ها تنها صفات قهرآلود یک خدا بود که البته می‌توانست با پرستش و تقدیم پیشکشی خنثی شود. از این رو، هیچ

1. Paśupati

2. Lalan, *Tantra its Mystic and Scientific Basis*, Delhi, 1967, p. 17.

3. Croke, W., p. 700 – 701.

4. Uśas

پیش‌نمونه‌ای از شکتی، و پرستش نیروی فعال مؤنث با ویژگی‌هایی که از پرستش الهه‌ی مادر از دره‌ی سند به دست آمده، در وداها وجود ندارد.^۱

اما نمونه‌ی شیوایی هندویی را می‌توان در صفات دهشت انگیز خدایی به نام «رودره» یافت، که در وداها خدای خشم و نابودی است.^۲ او در حالت خشم با صاعقه همراه می‌شد و انسان‌ها و کودکان و احشام آن‌ها را درهم می‌کوبید و همراه با پسرانش (ماروتها)، مزارع و مراتع را به نابودی می‌کشاند.^۳ از این رو، پرستندگان‌ش همواره با نیایش و تقدیم هدایا و پیشکشی طالب لطف و بخشایش او بودند.^۴ اما رودره در حالت لطف و مهربانی، خدای برکت، بخشش و شفادهنگی بود. سلاح او معمولاً تیرهای تابناک آذرخش بود، که با آن‌ها هم موجب نزول باران، خرمی و سرسبزی،^۵ و هم باعث هلاکت دام‌ها و انسان‌ها می‌شد. به این ترتیب، رودره هم مسبب مرگ و بیماری، و هم بخشنده‌ی سلامتی و حیات بود. تنها او بود که داروهای شفابخش گیاهی را با خود داشت و به همین سبب به پزشک خدایان شهرت داشت.^۶ او خدای دام‌ها و نگاهبان آن‌ها بود و لقب پشونمپتی^۷ (شهریار حیوانات) نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی او به حیوانات است.^۸ ماهیت اسرارآمیز و چندگانه‌ی این خدا اذهان شاعران ودائی را به خود مشغول ساخت، تا آن‌جا که صفت فرخندگی (شیوا) به او تعلق گرفت و همین صفت در آیین متأخر هندویی جایگزین او گردید و به عنوان یکی از سه خدای تثلیث هندویی در دوره‌ی حماسی مطرح شد.^۹

1. Bhandarkar, R.D., *Vaisnavism Saivism and Minor Religious Systems*, Delhi, 1965, Pp. 113 – 114.
2. Dowson, J. *Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion*, New Delhi, 1973, Pp. 269 – 270.
3. *Rig Veda*, 8/ 46, 3.
4. *Ibid.*, 1/ 114, 8.
5. *Ibid.*, 8/ 46, 3.
6. *Ibid.*, 7/ 46. 3.
7. Paśūnampatih
8. Bhandarkar, R.D., p. 114.
9. Dowson, J., Pp. 297 – 298.

۳. پرستش شیوا و شکتی در آیین هندوئی

درست به همان‌گونه که لطف، رحمت و عشق ویشنو^۱، خدای کم‌اهمیت دوره ودائی، موجب شکل‌گیری آیین پرستش ویشنو شد، شخصیت چندگانه شیوا، بویژه دو نمونه اصلی (شهریار حیوانات و رودره)، سوّمین رُکن تثلیث هندویی را فراهم آورد. شخصیت شهریاری حیوانات که متعلق به نمونه نخستین شیوا در دره سند است، در آیین شیوا پرستی صفاتی چون شهریاری حیوانات، یوگین بزرگ و سلطان رقص، را برای شیوا به ارمغان آورد و وجه شخصیت شیوا - رودره القابی نظیر فیض بخش^۲، نیکی رسان^۳ و فانی‌کننده^۴ را به او بخشید. به طور کلی، برای شیوا، هزار و یک اسم برشمرده‌اند که در دو جنبه از ذات او خلاصه می‌شوند.^۵

۱. جنبه تاریک که تجلی صفات قهر و غضب این خدا، و نماد قدرت‌های تاریک

طبیعت است (رودره - شیوا).

۲. جنبه روشن که تجلی صفات لطف و حمایت او، و نماد حیات و نیروهای مفید

زندگی است.^۶ (پشوپتی - شیوا).

به این ترتیب، شیوا جامع صفات قهر و لطف است که مظهری از ابقا و اعدام عالم هستی است. شیوا خدای حیات، و سلطان مرگ و نابودی است. اما ویرانگری او مساوی با شر نیست، بلکه مرحله‌ای از فرآیند آفرینش است که برای تجدید حیات ضروری است. شیوا یوگین بزرگ یا زاهد نخستین است که در کوه‌های هیمالیا ریاضت می‌کشد و با این کار نیروی خلق عالم را کسب می‌کند. او همچنین خدای رقص است که با رقص خود در کوه‌های چیدام بارام^۷ - مرکز عالم - عالم را نابود و حیات را نو می‌کند. با هر حرکت دست و پای شیوا کائتی نو خلق می‌شود. گام و مودره‌های^۸ او بیانگر حفظ و نگه داشت، و

1. Vishnu

2. Śamblu

3. Śamkava

4. Samlāva mūvti

5. Frazer, "Saivism", vol. 10, p. 91.

6. Bhandarkar, R.D., "Vaisnavism Saivism and Minor Religious Systems", p. 114

7. Cidam Bārām

8. Mudra

نابودی عالم و امکان آزادی (موکشه)^۱ از آن است. در حین رقص، نطفه هستی بخش شیوا بر وجه عالم می‌ریزد و تمام صور عالم هستی، از افلاک و زمین و آسمان، هر یک به رنگی و کیفیتی نبات و حیوان و انسان، از آن شکل می‌گیرد.^۲ نیروی خلاقه شیوا برای آفرینش، آلت تناسلی او (لینگه) است. هیئت لینگه نشان‌دهنده اراده‌ی شیوا برای خلق عالم است. از این‌رو، لینگه بنیادی‌ترین نگاره‌ی شیوا در نزد هندوان به شمار می‌آید و در معابد به شکل ستونی تصویر می‌شود که روی پایه‌ای مسطح، که نمونه یونی یا آلت تناسلی زن است، قرار دارد و اتحاد و یکی شدن آن‌ها کامل شدگی شیوا را با شکتی نشان می‌دهد. از نظر شیوایی‌ها، این نماد انگاری جنسی به معنای عشق ورزی نیست، بلکه بیانگر نیروی خلاقه عالم در آغازی‌ترین صورت آن و به رنگ سفید است.^۳

در تفکر هندوئی اتحاد (= آمیزش) نیروی اصل مذکر (= شیوا) و اصل مؤنث (= شکتی) به دو وجه تبیین می‌گردد:

۱. نخستین اندیشه با تأکید بر اصل وحدانیت شیوا، معتقد بود که او در لحظه آفرینش عالم با نیروی آفرینش خود (لینگه) نطفه‌ی هستی‌بخش که حاوی بذر بالقوه همه کائنات است، در زهدان نیروی مؤنث خود (یونی) می‌ریزد و با این عمل، عالم هستی را خلق می‌کند. در این تفکر، شیوا خدایی نیمه زن و نیمه مرد^۴ است. به این توضیح که او در گُنه ذات خود، عاری از هرگونه جنس و کیفیت است و دو ماهیت مذکر و مؤنث، دو جلوه از ذات واحد او هستند.^۵
۲. دومین اندیشه، با پذیرش نیروی مؤنث به عنوان اصلی مستقل اما هم ذات با شیوا، برای او همسرانی را معرفی می‌کند که هر یک نماد و مظهر یکی از وجوه نیروی فعال مؤنث (شکتی) هستند. در این نظام، یک ذات واحد مطلق با دو وجود هری شیوا و شکتی وجود دارد. در باور عامه، شکتی به عنوان همسر و شریک شیوا تجلیات

1. Mukśa
 2. Zimmer, H., "Myths and Symbols in Indian Art and Civilization", Pp. 155-154;
 Coomavaswamy, A. K., *The Dance of Siva*, p. 66.
 3. Zimmer, H., "The Indian, world Mother", p. 60.
 4. Ardhanavis, Vava
 5. Moor, E., *The Hindu Pantheon*, New York, 1964, p. 96.

مختلفی یافت^۱ که از میان آن‌ها چهار ظهور او در صورت همسران شیوا مشهور گشت که عبارت‌اند از:

۱. پروتی^۲، دختر پروته، الهه شور و زیبایی، محبوب‌ترین همسر شیوا و نماد قدرت جنسی مؤنث (یونی) که قدرت مذکر عالم (لینگه) در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهد.^۳

۲. دورگه^۴، الهه انتقام، که زیبا و در عین حال خشن است. معمولاً سوار بر پلنگ سفیدی تصویر می‌شود که با یک دست سلاح‌های مهیب و با دست دیگر یک سر قطع شده را حمل می‌کند.^۵

۳. کالی^۶، الهه بزرگ و قدرتمندی که ویرانی‌های وحشتناکی را به وجود می‌آورد. او الهه ناخوشی و بیماری است. گردن‌بندی از مجموعه‌های انسان برگردن دارد و در کاسه سر انسان خون می‌آشامد. کالی خواهان قربانی‌های خونی است و اغلب با رنگ سیاه تصویر می‌شود. او نماد قوی‌ترین انرژی مؤنث در عالم است.^۷

۴. اومما^۸، الهه مادر غیر آریایی، که نماد نیروهای مؤنثی است که باردار می‌شود، طفل را شیر می‌دهد و از او محافظت می‌کند.^۹

از بین این همسران، شیوا به پروتی از روی احساس عشق می‌ورزد و از کالی هراس دارد و در مواجهه با او به عنوان قوی‌ترین مظهر نیروی مؤنث، شیوا کوچک و ناتوان تصویر می‌شود، تا آنجا که در برخی تصاویر، شیوا بر زیر پای کالی بی‌هوش افتاده است. اما شکل‌گیری اندیشه همسران شیوا، براساس متون آیین شیوایی در شمال هند، مبتنی بر اسطوره‌ای کهن است که توسط زنان طبقات بالای اجتماع نقل می‌شد. این اسطوره که یادآور حکمت باستانی دره سند مبنی بر اعتقاد به اصل نیروی مؤثر مؤنث است، می‌گوید:

1. Ibid.

2. Parvati

3. Stutley, Margaret & James., *A Dictionary of Hinduism*, London, 1985, p. 222.

4. Durga

5. Stutley, Margaret & James., Pp. 81 – 82.

6. Kālī

7. Stutley, Margaret & James, p. 134.

8. Ummā

9. Stutley, Margaret & James, Pp. 310 – 311.

«در آغاز تنها یک چیز وجود داشت، و آن آدی شکتی^۱ (نیروی آغازین) بود، که خالق بزرگ^۲ نیز نامیده می‌شد. آدی شکتی تنها بود و آرزوی یک جفت کرد، پس با مایای^۳ خویش جهان را از خلاء (عدم) با تجلی خارج و ظاهر نمود. تخمی کیهانی پیدا شد و خدایان مذکر جدید با نامهای برهما، ویشنو و شیوا ظاهر شدند. برهما با اشتیاق به سمت آدی شکتی شتافت، اما شکتی به سوی او یورش برد و خواست که او را بکشد. برهما گفت: "تو مادر ما هستی". شکتی به او خندید و او را به خاکستر بدل کرد. همین اتفاق برای ویشنو هم افتاد. اما شیوا که جوانی زیبا و درخشنده، با دست و پای کشیده بود، در چشم الهه جلوه کرد و از این تهدید در امان ماند و به عنوان داماد، در آغوش الهه شکتی آرامید و از آمیزش آن دو، جهان هستی شکل گرفت.»

این داستان که با اندک اختلاف روایی مورد قبول فرقه‌های شیوایی در شمال و جنوب هند است، بر ضرورت وجود دو اصل مذکر و مؤنث، یا فاعل و منفعل، در ایجاد و خلق عالم تأکید دارد. اما در برخی روایت‌ها، برتری و اهمیت از آن اصل مذکر است که به عنوان اصل فاعل، بر اصل مؤنث و منفعل غلبه دارد. در این روایت‌ها، شیوا پس از آموختن اسرار زندگی و آئینهای مؤثر جادویی از شکتی، او را با شعله خود می‌کشد و به خاکستر بدل می‌کند. در برخی روایات نیز شکتی اصل فاعل است و اوست که پس از کامجویی، شیوا را تحت رقیبت خود در می‌آورد و تجلی شکتی به صورت کالی مسلط بر شیوا، از همین اعتقاد نشأت گرفته است.^۴

فرقه‌های مختلف آیین شیوایی را از نظر اهمیت دادن به اصل مؤثر و خلاق مؤنث در عالم، می‌توان به دو گروه اصلی آیین شیوایی دست راست^۵ و آیین شیوایی دست چپ^۶ تقسیم نمود. در آیین شیوایی دست راست، پرستش نیروی مؤنث (شکتی) به عنوان نیروی خلاق خدا برتری دارد. شکتی نیروی مؤنثی است که می‌آفریند، اداره می‌کند و همه عالم را

-
1. Adīśakti
 2. Mahāmāyā
 3. Māyā
 4. Gonda, j., "Indian Religions", *Encyclopedia of Religion*, M. Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 7, p.176.
 5. Right- hand Saivism
 6. Left- hand Saivism

نابود می‌کند و در نماد انگاری شخصی در هیئت همسر شیوا، و غالباً به عنوان الههٔ مرگ یعنی دورگه یا کالی ظاهر می‌شود. بر خلاف آن، در آیین شیوایی چپی پرستش هر دو نیروی مؤثر مذکر (شیوا) و مؤنث (شکتی) عالم به یک میزان است و رهروان این فرقه به مدد یوگا سعی در تحقق وحدت میان این دو اصل در یک وجود واحد متعالی دارند. آنان با مهار حواس و انجام مراسم عمل جنسی و تلاوت متزها و به کاربردن اشکال هندسی خاص، یا مندله‌ها این وحدت و آمیزش را به تصویر می‌کشند^۱ و برای کسب نیروهای جادویی و مافوق طبیعی نیز می‌کوشند.

۴. شیوا پرستی و سنتهای مذهبی تتره‌ای

از شواهد تاریخی پیداست که بعد از عصر براهمنه‌ها، یعنی در حدود سدهٔ ۶ میلادی، آیین پرستش شیوا در هندوستان رواج یافت و به دو دلیل اصلی، مورد مخالفت طبقهٔ برهمنان قرار گرفت: نخست آنکه شیوا در آغاز خدایی غیر آریایی بود؛ و دوم اینکه بسیاری از آداب و مراسم دینی ایشان با مراسم برهمنی تفاوت داشت، به‌ویژه آنکه شیوایی‌ها، مراسم عبادی خود را شب هنگام و در گورستانها برپا می‌کردند و آیینهای اسرارآمیز ایشان، همچون آغشتن تن به خاکستر و آمیزشهای نامحدود جنسی، قربانیهای انسانی و نوشیدن خون در کاسهٔ سر انسان، برای برهمنان هندویی ترسناک و غیرقابل درک بود.^۲

اما به رغم این مخالفتها، آیین پرستش شیوا، به‌ویژه به مدد آیینهای مرموز و اعمال مخفیانه و سری خود، به گستردگی در میان مردم رواج یافت و در حدود سدهٔ ۸ میلادی، از درون آن فرقه‌های مختلفی با نظامهای محکم الهیاتی شکل گرفت و در سراسر هندوستان گسترش یافت. نکتهٔ مشترک تمام نظامهای شیوایی، پرستش شیوا و شکتی در کنار هم، به عنوان دو جزء جدایی ناپذیر یک ذات واحد بود.^۳

1. Gonda, J., "Indian Religions", vol. 7, p. 174.

2. Ibid., vol. 7, p. 176.

3. Woodroffe, J., *Śakti and Śakta*, Madras, 1969, Pp.19-20.

۵. فرقه‌های مختلف شیوایی و پرستش شکتی

تمام مکاتب شیوا پرستی^۱ را از جنبه عملی می‌توان به دو شاخهٔ بزرگ^۲ تقسیم نمود:

۱. شاخه آتیمارگه^۳ یا طریقهٔ بیرونی، که به زهد و ریاضت می‌پردازند.
۲. شاخه منتره‌مارگه^۴ یا طریقه درونی، که به مراقبه و توجه به عالم باطن و تجربیات معنوی شهودی نظر دارد.

شاخهٔ نخست، متمرکز بر پرستش شیوا در شکل ودائی او یعنی رودره است، و به همین سبب پیروان این فرقه را راثودره^۵ می‌نامند که با رعایت انضباط سخت و ریاضت‌های طاقت‌فرسا به دنبال رستگاری هستند. شاخهٔ دوم علاوه بر رعایت ریاضت‌های سخت، به عالم باطن توجه دارند و غیر از نیل به رستگاری در پی کسب قدرتهای جادویی و مافوق طبیعی نیز هستند.

این دو شاخه، نخستین جریانات آیین شیوایی به شمار می‌آیند و فرقهٔ آتیمارگه از نظر زمانی مقدم بر فرقهٔ منتره مارگه است و قدیم‌ترین فرقه‌هایی شیوایی یعنی پشوپتا^۶ و لاکولا^۷ از دل این فرقه بیرون آمدند^۸. در ادامه به این دو فرقه می‌پردازیم:

۵. ۱. ۱. فرقهٔ پشوپتا

قدیمی‌ترین و بزرگترین فرقهٔ شیوایی بود که به گفتهٔ رامانوجا ۳۵ تیرهٔ شیوایی بدان وابسته بودند. همانطور که از نام فرقه پیداست، پیروان این فرقه پرستندهٔ پشوپتی رودره بودند. تنها منبع ما از تعالیم این فرقه، نوشته‌های استاد اهل میسور به نام لاکولیشا^۹ یا لاکولین^{۱۰} است که بنابر سنت هندوئی، در شهودی پشوپتی رودره به او ظاهر شد و تعالیم

1. Śivaśāna
2. Strotas
3. Ātimārga
4. Mantramārga
5. Rāudra
6. Paśupati
7. Lākulā
8. Bhandarkar, R. D., Pp. 115-118.
9. Lākuliśā
10. Lākulin

مورد نظر را به او آموخت. مباحث نظری و فلسفی در این مکتب ضعیف است و تمسک به آیینهای عملی و زهد و ریاضت شدید برای رسیدن به نجات و رستگاری رایج است. مراحل سلوک در این فرقه پنجگانه است که به آشرمه^۱ مشهورند، در چهار مرحله اول درد و رنج برای پوشیتا یا سالک متوقف می‌شود و در مرحله پنجم که پوشیتا به کمال و پختگی فکری یا سیده آشرمه^۲ می‌رسد. این امر در لحظه مرگ رخ می‌دهد که در آن تمام وجود و نیروها در اوصاف رودره تحلیل و جذب می‌شود. این طریقه فقط مردان را در خود می‌پذیرد و مراحل پنجگانه آن عبارتند از:

- مرحله گدایی و دوره گردی^۳؛
 - مرحله ترک معبد و کنار گذاردن تمام نشانه های خارجی رعایت فرایض دینی، به نحوی که سالک مورد ملامت و نکوهش مردم عادی قرار می‌گیرد؛
 - مرحله رفتن به نقاط دورافتاده خارج از شهر و تکرار دایمی پنج متره؛
 - مرحله ورود به محل سوزاندن اجساد مردگان و به انتظار مرگ ماندن؛
 - مرحله پنج کمال (نیشتهو^۴)، که در لحظه مرگ و از کار افتادن علایم حیاتی جسم ظاهر می‌شود، که همان تحلیل وجود سالک در اوصاف رودره است.
- طی کردن این مراحل نه به کوشش سالک، که تنها به کمک فیض رودره امکان‌پذیر است. در این فرقه توجهی به پرستش شکتی و نیروی مؤنث نشده است.^۵

۵. ۱. ۲. فرقه کالاموکه^۶ یا کاپالا^۷

نحوه ریاضت‌کشی این فرقه بسیار شدیدتر از فرقه قبلی بود و بیشتر در جنوب هند، پیرو داشت. به گفته رامانوجه، پیرو کاپالا که کاپالایی نام دارد، با شش علامت^۸ شناخته می‌شود،

1. Āśrama
2. Siddha-āśrama
3. Bhikṣu
4. Niśthū
5. Bhandarka, R. D. Pp. 121-124.
6. Kālāmukha
7. Kāpālā
8. Mudrikā

و باید حقیقت این شش علامت را بشناسد و مهارت به کاربردن آنها را بداند. چنین شخصی به عالیترین سطح سعادت می‌رسد. در این فرقه توجه به نیروی مؤنث (شکتی) و پرستش او بسیار رایج است و پیروان این فرقه بر این باورند که شناخت و عبادت او راه را برای رسیدن به رستگاری، هموار می‌سازد.

شش علامتی که یک کاپالایی به آنها شناخته می‌شود عبارتند از:

۱. طوق ۲. آرایش و زینت ۳. گوشواره

۴. تاج جواهر نشان ۵. خاکستر ۶. ریسمان مقدس

به باور کاپالائیه‌ها، علم به اینکه اینها اشیاء شکتی هستند و شکتی در ذات این اشیاء حضور دارد، فرد را از باز پیدائیه‌های مکرر رهایی می‌بخشد و داشتن این علامتها، انسانها را به آرزوهای این دنیا و دنیای بعدی نائل می‌رساند. افزون بر این علامتها، شش عمل آیینی نیز باید پیوسته انجام شود که عبارتند از:

۱. خوردن غذا در کاسه سر انسان

۲. آغشتن بدن با خاکستر جسد مرده

۳. خوردن خاکستر

۴. داشتن یک کاسه گدایی

۵. داشتن یک خمر شراب

۶. پرستش خدا در وجود خود

این افراد در مراسم خود، استحمام در خاکستر جسد مرده و خوردن این خاکستر، نوشیدن شراب را به این نیت که رودره و شکتی در ظرف شراب حضور دارند، بالاترین اعمال خود قرار می‌دانستند، اما در مراسم ایشان هیچگونه رابطه و آمیزش بی‌قید و بند جنسی وجود نداشت. افراد این فرقه به شدت به تعهد تجرد خود وفادار بودند.

کاپالاه‌ها، کتاب‌های مقدس بسیاری داشتند، که امروزه در دست نیست و در آنها مباحث الهیاتی و آداب و مراسم دینی آمده بود. همچنین کاپالاه‌ها دارای جهان‌شناسی نظامندی بودند که در آن جهان هستی مشتمل بر عوالم متعدد بود و هر عالم یکی از

تجلیات رودره و شکتی به شمار می‌آید. رسیدن به آخرین عالم، که رودره دهرورشا^۱ یعنی عالم خالی از فعالیت نامیده می‌شد، رسیدن به مرحلهٔ نجات و رستگاری فرجامین بود^۲.

فرقه منتره‌مارگه

چنان‌که بیشتر اشاره شد، فرقه منتره‌مارگه متأخرتر از آتیمارگه است، ولی از نظر الهیاتی به سنتهای پیش از وادئی و پرستش نمونهٔ دراویدی شیوا نزدیکتر است. در واقع، در فرقهٔ آتیمارگه رودره، و در منتره‌مارگه، رودره همراه با گروهی از ارواح عمدتاً مؤنث که همان تجلیات نیروی مؤنث و شکتی هستند، مورد پرستش اند و در آن اتحاد رودره شیوا با شکتی به نحو بارزی مطرح می‌شود.

این فرقه متون مقدس گسترده و پر حجمی دارد که به تتره‌های آیین شیوایی سیدهانته^۳ مشهور است و به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود:

- متون شرعی و قانونی که تعریف قطعی و روشنی از تعالیم شیوایی را ارائه می‌دهد.
 - مجموعه‌ای از متون مکاشفه‌ای که به «بهیرَوَه آگَمَه»^۴ مشهور است.^۵
- در متون شرعی قانونی سیدهانته، خدا صبعهٔ قدرت مخوف و هراسناک را ندارد و حضور نیروی مؤنث و پرستش آن کمرنگ است، در حالیکه در متون بهیروه نیروی مؤنث با جنبه‌های مهیب و ترسناک خود مورد پرستش قرار می‌گیرد و به‌صورت مجموعه‌ای از الهه‌های تشخیص یافتهٔ مؤثر در جریان نظام گیتی و آخرت شناسی ظاهر و پرستیده می‌شود.^۶ مراسم آئینی این فرقه همانند فرقهٔ کاپالا است، با این تفاوت که بر کاربرد شش علامت و رعایت ریاضتِ افراطی تأکید کمتری شده است.

غیر از دو شاخهٔ بزرگ و ابتدایی فرقهٔ شیوایی فرقه‌های مهم دیگر از این قرارند:

1. Rudra Dhruveša
2. Bhandarka, R. D., Pp.127-129.
3. Śaiva Siddhānta Tantra
4. Bhairava Āgama
5. Bhandarka, R. D., p. 130.
6. Frazer, R. W., vol. 10, p. 92-93.

۵. ۳. فرقه ویدیاپیتها^۱

این فرقه متأخرتر از فرقه منتره‌مارگه است و در آن قدرت مؤنث (شکتی) برتری دارد و از این رو، رابطه و آمیزش جنسی برای غلبه بر نیروی مؤنث به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد. در این فرقه باور بر آن بود که انجام مراسم دینی به‌طور دقیق و درست می‌تواند به کسب قدرتهای خدای مؤنث (شکتی) منجر شود. در این فرقه نیز مثل کاپالا، فرد با تزئین خود به البسه‌ای خاص و اشیایی نظیر سنجاق سر از جنس استخوان انسان، آویختن گوشواره، دستبند، زینتهای مچ پا، و بستن ریسمان مقدس و آغشتن بدن با خاکستر جسد مرده، نوشیدن شراب در کاسه سر انسان و رقصیدن در حالت مستی و تکرار منتره‌های بی سر و ته، به دنبال کسب معرفت و نیل به رهایی است. نکته قابل توجه در این مراسم، همراهی معاشری از جنس مؤنث است که فرد در حین مراسم با او می‌آمیزد و با مایعات جنسی مخلوط با خون و سایر نجاسات بدن، هدایایی را تقدیم شکتی می‌کند. باور بر این بود که شکتی که از دریافت این هدایا خرسنده شده است، تسلیم فرد می‌شود و فرد در عمل جنسی، با غلبه بر معاشر مؤنث خود که تجلی شکتی به‌شمار می‌آمد، بر شکتی و نیروی او غلبه می‌کند و قدرتهای مخوف و ماوراء طبیعی شکتی را به دست می‌آورد.

زمان مناسب برای برگزاری این آیین، شب چهاردهم ماه و محل مناسب، محوطه سوزاندن اجساد بود. زنهای شرکت کننده در این مراسم اغلب دخترانی بودند که در محوطه سوزاندن اجساد زندگی می‌کردند، یا زنانی از طبقه نجس‌ها بودند که سن آنها از ۲۷ سال سن بیشتر بود.^۲

۵. ۴. فرقه یامله^۳ و تتره‌های اتحاد^۴

در این فرقه الهه شکتی به‌عنوان نیروی مؤنث خدای شیوا، و گاه به شکل همسر شیوا در هیئت کالی پرستیده می‌شود و شیوا در هیئت بهیروه^۵ (خدای جمجمه)^۱ به‌همراه الهه‌اش

-
1. Vidyāpitha
 2. Frazer, vol. 10, Pp. 94 – 95.
 3. Yāmala-tantra
 4. The union tantras
 5. Bhairava

کاپالینی^۲ (الهه جمجمه) مورد پرستش است. مجموعه‌ای از خدایان دست دوم نیز به صورت زوج مذکر و مؤنث که در سطح مندله‌ها، تجسمی از اتحاد شیوا و شکتی هستند، مورد ستایش قرار می‌گیرند.

۵.۶. فرقه جایادراتها^۳ یا پرستش کالی

تتره‌های این فرقه متمرکز بر پرستش کالی اند و به سلطان تتره‌ها شهرت دارند و با داشتن ۲۴ هزار بند، مفصل‌ترین تتره‌های آیین شیوایی به‌شمار می‌آیند، در این تتره‌ها، کالی با صدها نوع ظهور و تجلی که مشهورترین و وحشتناکترین آنها کاله‌سمکارشینی^۴، یعنی کالی نابودکننده زمان است، پرستش می‌شود.

در این تتره‌ها، کالی در دو سطح پرستیده می‌شود:

۱. در سطح کاله‌سمکارشینی، که در آن در هیئت مجسمه‌ای از طلا با بیست بازو و پنج چهره، با رنگی سیاه پرستیده می‌شود و چندین علامت کاپالیکایی، همچون سرقطع‌شده انسان و لباسی از پوست پلنگ آغشته به خون همراه خود دارد و بدن کالی (زمان) را زیر پاهای خود له کرده و یک بهیروه که نمادی از شیوا است را در حالت نشئه و جذب با دو بازوی خود به آغوش کشیده است. در مراسم عبادی، پرستندگان یک بهیروه را در مرکز یک مندله بزرگ قرار می‌دهند و چندین زن که نمادی از الهه کالی هستند، او را احاطه می‌کنند. آنگاه پس از تلاوت متتره‌های معین، این الهه‌ها، بهیروه را در آغوش می‌گیرند و با کامروا ساختن او، آیین آمیزش و اتحاد جنسی را انجام می‌دهند. این مراسم حتماً باید در محل سوزاندن اجساد صورت بگیرد. گاه نیز این مراسم به صورت برعکس انجام می‌شود یعنی الهه کالی در مرکز مندله قرار می‌گیرد و بهیروه‌های مذکر دور او حلقه می‌زنند.

۲. در سطح دو که سه چهارم تتره‌ها را تشکیل می‌دهد، الوهیت مذکر مظهر قدرت برتر است و الوهیت مؤنث (کالی) بر او فائق می‌آید. در اینجا کالی، «ویریه کالی»^۵، به معنی

1. Lord of skull
2. Kāpalīnī
3. Jagad-dhatri
4. Kālasam karsinī
5. Virya-Kālī

درونی‌ترین تموج آگاهی و هوشیاری، خوانده می‌شود. او با بدنی لاغر و سیاه، و موهایی که چون شعله‌های آتش شعله‌ورند، و با تزئیناتی چون سر بریده دیگر خدایان در مرکز تجلی نوری خیره‌کننده ظاهر می‌شود. مرکب او کالآگنی رودره^۱ (رودره آتش نهایی) است. او در دوازده دست خود کمند، سیخ، سر بریده، شمشیر، سپر، رعد و برق (وَجْرَه)^۲، زنگ، طبل، چاقو و قلب خون‌آلود و پوست فیل دارد. یک طرف بدن رودره‌یی که مرکب اوست به رنگ سیاه و طرف دیگر آن قرمز است و این نشانه دو نفس آدمی یعنی دم (اپانا^۳) و بازدم (پرانا^۴) است.

پرستنده کالی با انجام مراسم دینی و حمل علامتهای کاپالایی، شایسته دریافت قدرتهای پنج‌گانه (ویریا) کالی می‌شود که به کمک آنها حقیقت درخشنده به صورت خرسندی و رضا در آگاهی او تجلی می‌کند و موجب آرامش پرستنده و فنای او در کالی می‌شود. حرکت دورانی کالی، که هم موجب ضربات آگاهی در هر نشئه و هم موجب ضربات آگاهی در ایجاد و تخریب کیهانی است، بیانگر حرکت کالی از نور خالص او (بهاشا)^۵، به صورت تجسمهای مختلف (اوتاره) به سمت جهان خارج است. سپس با رسیدن کالی به مرحله کالی بودن خودش (کالیکرمه^۶)، این خرسندی از نو جذب او می‌شود و در آنجا مثل حالت اولیه خودش، دوباره در نور خالص قرار می‌گیرد. پرستنده کالی باتوجه و مراقبه روی این ترتیب و توالی حرکت عظیم کیهانی، رضا و خرسندی را در آگاهی خودش می‌یابد و با این دریافت به کسب معرفت عمیق و قدرت نامتناهی نایل می‌شود.

صورت دیگر کالی، مهاکالی (کالی عظیم) است که در دایره‌ای سیاه رنگ که در مرکز یک مربع قرار گرفته است، پرستیده می‌شود. در پرستش مهاکالی مندله‌ها نقش اساسی دارند، زیرا تصاویری از اتحاد ذاتی مهاکالی، به عنوان وجود مطلق، با مظاهر و جلوه‌هایش در هیئت نیروی مذکر خلاق را ارائه می‌دهند. این مندله‌ها سیزده نشانه دارند که اگر در مراسم اتحاد و آمیزش جنسی و آیینهای شراب‌نوشی به خوبی درک شوند، فرد را از طریق

1. Kālā Ganī Rudra
2. Vajra
3. āpānā
4. prānā
5. bhāśā
6. Kālīkrama

خلاء و عاری بودن از احساس‌ها، که پس از آمیزش جنسی حاصل می‌شود، به درک حقیقت و کسب معرفت مطلق در ضمیر و آگاهی خود، نایل می‌سازند. در اینجا فرد خود وجود مطلق (انوتارام^۱)، یعنی خود غایی (کالی - شکتی^۲)، می‌شود و به اتحاد با او می‌رسد.^۳

۵. ۷. فرقه تابع تتره‌های قدرت (شکتی-تتره)^۴

تتره‌های این فرقه که به تریکه تتره نیز مشهور است، مجموعه‌ای از تتره‌هایی است که بر پرستش کالی صورت مخوف نیروی مؤنث (شکتی) تمرکز دارد و به نظام آیینهای باطنی او مربوط می‌شود.

در این فرقه، کالی سه جلوه با نامهای پارا^۵، پاراپارا^۶ و آپارا^۷ دارد که هر سه بر روی سه نیلوفر سفید نشسته‌اند و در برخی تصاویر نیز به صورت سه نوک یک پیکان تجسم شده‌اند.

پارا الهه‌ای زیبا و روشن است که بر روی نیلوفر وسطی نشسته و کتاب مقدس را در دستان خود نگه داشته‌است و پاراپا و آپارا به ترتیب در سمت راست و چپ او قرار دارند و به رنگهای قرمز و سیاه هستند. به هر سه این خدایان شراب و گوشت قرمز پیشکشی می‌شود.

در این مجموعه پارا، که نقطه اوج سلسله مراتب نیروهای مؤنث است، اهمیت بیشتری دارد و به عنوان رئیس آن دو الهه ماترسادبهاوا^۸ خوانده می‌شود، که ماترسادبهاوا (جوهر مادرها) به معنی جوهر و ذات همه هستیهای آگاه (هرا-ماتر)^۹ است. این سه الهه به

1. Anuttaram
2. Kālī Saktī
3. Woodroffe, J., p. 129.
4. Sakti-tantras.
5. Pārā
6. Pārāpārā
7. Āpārā
8. Harā Mātr

مثابه چشم نیروی مؤثر مؤنث اند که شکتی از دریچه آنها به عالم می‌نگرد و گاهی این سه چشم، هوشیاری و آگاهی او قلمداد می‌شوند، چنان که
 پارا قدرت عناصر فاعلی (پرامتر^۱)، آپارا قدرت عناصر مفعولی (پرامنا^۲)، و پاراپارا
 قدرت ارتباط و وابستگی که این دو قدرت فاعلی و مفعولی را با هم متحد می‌سازد نشان
 می‌دهد.^۳

۶. شیوا پرستی تتره‌ای (شایوا سیدهانت^۴)

۶.۱. متون مقدس تتره‌ای

تعالیم آیین شیوایی تتره‌ای در سنت‌های شفاهی و مکتوبی یافت می‌شود که به «آگمه»^۵ مشهورند و بنابر سه مکان عمده رواج آیین شیوایی تتره‌ای، یعنی بنگال، کشمیر و کیراله، به سه شاخه اصلی تقسیم شده‌اند. هر مکتب، تفاسیر خاصی بر متون آگمه نوشته‌اند و گاهی این تفاسیر با کیش پرستش پنج خدا، یعنی سوریه (خدای خورشید^۶)، گانش^۷، ویشنو، شیوا و شکتی همراه است که به اعتقاد مفسران، این‌ها پنج نام برای الوهیت‌های مختلف نیستند، بلکه همگی جنبه‌های مختلف یک قدرت واحد، یعنی شکتی هستند.^۸

۶.۲. مبانی اعتقادی آیین تتره‌ای

آیین تتره‌ای در مجموع به مکاتب خاصی اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری مجموعه‌ای از اعمال سرّی و باطنی سعی در رسیدن به تجربه روحانی برای کشف حقیقت مطلق و واحد دارند. افزون بر این، تتره، نام مجموعه‌ای از رسالات دینی و آیینی است که به زبان سنسکریت نوشته شده‌اند و از نظر محتوا ناهمگون اند.

1. Prāmatr
2. Prāmanā
3. Woodroffe, Pp. 73-85.
4. Śaiva Siddhānta
5. Āgama
6. Surya
7. Ganesh
8. Zimmer, H., *Philosophies of India*, p. 568; Frazer, R.W., vol. 10, p. 95.

آیین شیوایی تتره‌ای از حدود قرن ۵ ق م در هندوستان شکل گرفت و به تدریج در آیین بودا، و با درجه‌ای محدودتر در آیین جایی نیز نفوذ کرد. مراکز عمده نفوذ آیین شیوایی تتره‌ای در هند، نپال، بهوتن و به ویژه کشمیر و بنگال است.

شیوا پرستی تتره‌ای آکنده از آیین‌های سرّی و تعالیم راز آلود است. اساسی‌ترین آموزه تتره‌ای تعلیم اوپانشادی «یکی در همه»، یعنی اعتقاد به «حقیقت اعلی» (برهمن-آتمن) است که اساس هستی و تنها حقیقت موجود است. به این ترتیب، تتره‌ای‌ها به وحدت وجود معتقدند.^۱ این آرمان وحدت باطنی، به همراه اعتقاد به الوهیت متعال مؤنث، به شدت در تتره رواج یافت، تا آنجا که برای قائلان به آن نه تنها دیگر تفاوتی میان خیر و شر وجود ندارد، بلکه با شر می‌توان بر شر (شهوت و شهوت) غلبه یافت. از نظر آنها اعمال جنسی، به‌عنوان آیین تشریف بسیار مقدس و با اهمیت است، تا جائیکه این روابط را می‌توان با مادر، دختر و یا خواهر خود نیز برقرار نمود.^۲

۳.۶. خدانشناسی تتره‌ای

از دیدگاه کلامی حقیقت در این آیین، متعال و واحد است که دو جنبه مذکر (شیوا) و مؤنث (شکتی) دارد. شیوا معرف آگاهی محض و خاصیت انفعال متعال، و شکتی بیانگر عمل ذهنی است. این دو، دو اصل فاعل و منفعل عالم هستند که از اتحاد ایشان عالم هستی تکوین یافته است.^۳

در متون تتره‌ای نیروی مذکر و مؤنث، در نظر گرفته می‌شوند، یعنی خدا و خدایان، قطب‌های متجلی (منفعل و فعال) یک اصل واحد متعالی که در ذات واحد، و در ظهور دوتا هستند. اصل مذکر با ابدیت و اصل مؤنث با زمان یکی انگاشته می‌شود.

پس تکوین عالم هستی در شکتی و از طریق شکتی صورت می‌گیرد و شکتی برای ظهور خود و فعالیت‌هایش به شیوا نیاز دارد. از این رو، شیوا در عالم هستی نقش درجه

1. Zimmer, H., "The Indian World Mother", p. 75.

2. Ibid.

3. Zimmer, H., *Philosophies of India*, p. 592-593.

دومی دارد و صرفاً شریک و همراهی برای شکتی است. به این ترتیب، تسلط و تفوق از آن اصل مؤنث است، اوست که فعال است و اصل مذکر منفعل است.^۱

۶. ۴. جهان‌شناسی تتره‌ای

مکتب شیواپرستی تتره‌ای مبتنی بر یکتاپرستی عدم‌ثنویت است و از این نظر، با عقاید شنکره در مکتب ادویته ودانته موافق است. این مکتب بر تعالیم باطنی مکتب و دانته تأکید دارد.

در آیین تتره‌ای، شکتی به عنوان قدرت برتر، اصل و منشأ عالم شناخته می‌شود، که مانند برهمن در آیین ادویته ودانته، متعالی، ناشناختنی، و در عین حال جاری و مشهود در تمام مظاهر عالم است. او هزاران نام دارد و برای هرکس به شکلی و نامی تجلی می‌کند. همه اشکال مادی عالم حاصل خود دگردیسی اوست.^۲ از این رو، جهان‌شناختی تتره‌ای به فلسفه وحدت وجودی ادویته ودانته بسیار نزدیک است. یکی از فلاسفه ودانته می‌گوید که عمل آفرینش، نگاهداری و نابودی عالم و همه موجودات دارای حیات آن حاصل تجلی شکتی (قدرت الهی) است. در مکتب ادویته ودانته، شکتی قدرت ذاتی برهمن است که از او جدایی ناپذیر است. همه چیز با قدرت شکتی وجود می‌یابد، تغییر می‌کند و از بین می‌رود. برهمن و شکتی یکی هستند، پذیرفتن برهمن به معنی پذیرفتن شکتی است و بر عکس آن نیز صادق است. رابطه این دو شبیه رابطه آتش و قدرت آن برای سوزاندن است. همانگونه که فرد نمی‌تواند آتش را از قدرت سوزاندن آن جدا بداند، به همان ترتیب هم نمی‌تواند به برهمن بدون شکتی، و به شکتی بدون برهمن فکر کند. مطلق بدون حقیقت، یا حقیقت بدون مطلق قابل تصور نیست. قدرت ازلی برهمن در همه چیز است. او خالق، حافظ و نابودکننده عالم است. این قدرت، کالی نیز نامیده می‌شود و کالی هم در واقع برهمن است. انسان زمانی که به این قدرت چون عنصری غیر فعال در عمل آفرینش، نگاهداری و نابودی عالم بنگرد، آن را برهمن می‌نامد و زمانی که این قدرت را درگیر عمل

1. Kopper, W., "On the Origin of the Mysteries", Mystic Vision, H. Zimmer & R. Manheim (ed. & trans.), New York, 1964, p. 53.
2. Woodroffe, J., Pp. 237-238.

آفرینش ببیند، آن را کالی و شکتی می خواند. اما در هر حال حقیقت یکی است و تفاوت تنها در نام و شکل است.

در فلسفه تتره‌ای، شکتی هم قدرت خلاقه آفرینش است و هم ذات مطلق واحد، که هستی از زهدان او جاری شده است، و شیوا نیروی منفعلی است که شکتی از طریق او عمل می‌کند. در واقع شکتی با برهمن نیرگونه، و شیوا با برهمن سگونه در مکتب ادویته قابل قیاس است، که هر دو جلوه یک ذات واحد مطلق‌اند. آمیزش شکتی و شیوا، عالم وجود را می‌سازد. در این اتحاد و آمیزش، قدرت برتر شکتی است. او منشأ همه قدرتهای فیزیکی، و شیوا بالاترین صورت قدرت فیزیکی است.^۱

اما جهان‌شناسی تتره‌ای به‌رغم شباهتها، دو فرق اساسی با مکتب ادویته ودانته دارد که عبارتند از:

۱. در ادویته ودانته هیچ چیز جز ذات برهمن، وجود حقیقی ندارد و جهان غیرحقیقی است. اما بر خلاف آن، مکاتب تتره‌ای می‌پذیرند که هر چیزی، حتی وهم و مایا نیز واقعیت وجودی دارند، اما واقعیتی نسبی، یعنی آنها گاهی هستند و گاهی نیستند.

۲. به گفته شنکره، هر چیزی غیر از ذات حقیقی برهمن، غیر حقیقی است، چون دستخوش تغییر است و تنها حقیقت واحد، بی‌تغییر است. جهان هستی یکسره در حال تغییر و تبدل، است و در عین تبدل، با ذات واحد عالم نیز پیوند دارد و به اعتبار این ارتباط، دارای هستی است.

در حالیکه بنابر شکتی شستره^۲ جهان ضرورتاً حقیقی است و هر چیزی می‌تواند هم حقیقی، و هم دستخوش تغییر و تبدل باشد.^۳ در اینجا، تعبیر تتره از خدا همانند ادویته ودانته تعبیری دو سویه است: ذات مطلق و واحد که ورای حس و شناخت است. هبوط ذات در مرتبه الوهیت برای خلق عالم هستی (شیوا-شکتی، یا ایشوره^۴ در ادویته ودانته).

1. Ibid., p. 238.

2 Saktiśāstra

3 Woodroffe, j. "Sakti and Sakta", p. 237.

4. Íśvara

جهان حقیقی است، زیرا شیوا و شکتی که علت مادی آن هستند، حقیقی‌اند. جهان تجربه خدا است و او به عنوان پروردگار (پاتی^۱)، در برگیرنده همه تجربه‌ها (کائنات و عالم هستی) است و به عنوان خالق (پشو^۲)، تجربه جزئی از عمل ذهنی اوست و تجربه پروردگار هرگز غیر حقیقی نیست.^۳

۵.۶. انسان‌شناسی تتره‌ای

انسان عالم صغیر، و نمونه کوچکی از عالم کبیر است که این دو نیرو (شکتی و شیوا) به صورت دو جنبه یک ذات واحد در وجود او متجلی‌اند. نخاع نماد کوه مرو است و سه پیوند عصبی اصلی، یعنی ایداً، پینگیلا^۴، سوشومنا^۵، که در چپ، راست و وسط ستون فقرات قرار دارند، معرف سه رود مقدس گنگ^۶، یامونا^۷ و سرسوتی^۸ هستند و نحوه تنفس در انسان، فرایند گذر زمان را نشان می‌دهد.

شکتی به عنوان نیروی مؤنث کوندالینی^{۱۰} نامیده می‌شود که به حالت مارپیچ در پایین‌ترین قسمت مرکز فرا روان‌شناسی یا چکره^{۱۱} بدن قرار گرفته‌است که به سمت بالاترین چکره، که در بالای نخاع قرار گرفته، حرکت می‌کند تا با نیروی مذکر، یعنی شیوا که در سهرساره چکره^{۱۲} در بالای سر قرار دارد، همچون نیلوفر هزار برگ متحد شود و این اتحاد منجر به درک متعالی و سعادت‌مندانه از عدم دوگانگی ذات واحد و مطلق می‌شود.^{۱۳}

1 Pātī

2 Paṣu

3 Woodroffe, j, "Sakti and Sakta", p. 20.

4. Eidā

5. Pingilā

6. Saśumanā

7. Gang

8. Yamunā

9. Sarsavati

10. Kundalinī

11. Cakra

12. Sahasrāra Cakra

13. *The New Encyclopedic Britannica*, vol. 11, p. 548

۶.۶. راه نجات و رهایی در آیین تتره‌ای

در متون تتره‌ای نجات و رهایی از دو طریق امکان‌پذیر است: شناخت و معرفت به شکتی به‌عنوان وجود مطلق ازلی و همه شمول، و انجام اعمال سرّی و عبادی که مشتمل بر پنج آیین مقدس است،^۱ که باید زیر نظر فردی کارآموده اجرا شوند و عبارتند از: مصرف شراب، گوشت، ماهی، حبوبات پخته شده و آمیزش جنسی. این پنج آیین همچون قانونی منزلک، غیر قابل تغییراند و که انجام مراسم عبادی بدون وجود آنها امکان‌پذیر نیست.

اما در میان این پنج آیین، اتحاد و آمیزش جنسی از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا تتره‌ای‌ها بر این باورند که اتحاد جنسی در مراسم آیینی بهترین راه برای رسیدن به جذبه فراذهنی است که برای درک و شناخت شکتی لازم است. افزون بر این، آمیزش جنسی دو نیروی شکتی و شیوا، یعنی نیروی مذکر و مؤنث را در وجود آدمی به اتحاد و تعادل می‌رساند. از این رو، آمیزش جنسی نوعی انضباط یوگایی برای تهذیب جسم، ذهن و روح به‌شمار می‌آید که از طریق ایجاد هیجانی فزاینده و پرشور، همه فرآیندهای دیگر ذهنی و روحی را متوقف می‌کند و پس از فروکش نمودن تمنای جنسی، آرامش عمیق روحی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. به تعبیر عرفانی، این آمیزش به یگانگی با حقیقت نهایی عالم، یعنی شکتی منجر می‌شود.

۷. فرقه تریکای کشمیری یا تریکاشاسنه^۲

این فرقه، از فرق جناح چپ شیوایی تتره‌ای به‌شمار می‌آید و مانند فرقه شیوا سیدهانته بر تأثیر مراسم و مناسک آیینی در رهایی فرد تأکید دارد، اما بسیاری از تفاسیر فرق جناح راست را انکار می‌کند. در این فرقه، نجات و رهایی از طریق تجربه و شهود باطنی حاصل می‌شود و این شهود در دو سطح به نجات فرد کمک می‌کند: نخست انجام مناسک آیینی بدون آگاهی درونی و معرفت به آن، که منجر به رستگاری در هنگام مرگ می‌شود؛ و دیگری انجام مناسک آیینی با معرفت و آگاهی، منجر به نجات و رهایی در زمان حیات فرد می‌شود.

1. Zimmer, H., *Philosophies of India*, p. 573

2. Trika of the kshmir or Trikaśāsana

تفکر تتره‌ای جناح چپ به این علت برانجام مناسک و تسلسل منظم آن تأکید می‌کرد که فرد با انجام این مراسم به حالت خلسه ذهنی وارد می‌شود و در آن حالت در می‌یابد که شیوا و شکتی همان چیزی است که مناسک دینی بر آن تأکید می‌کند. شراب خود شکتی، و نوشنده شراب هم شکتی است. تمام اشیاء و نشانه‌های مندله‌ها و متره‌های بی سر و ته، شکتی هستند. از این رو، انجام مراسم نوعی اتحاد با الوهیت است، و ترکیب و تداخل با الوهیت به شمار نمی‌آید. پرستنده با انجام این مراسم به نوعی همسانی و تساوی با الوهیت دست می‌یابد. او تبدیل به الوهیت (شیوا-شکتی) نمی‌شود، بلکه خود شیوا-شکتی جدیدی می‌گردد. از این رو، شیواپرستان تریکایی هیچ تفاوتی بین خدای نامحدود و ذات متعالی (شیوا - شکتی)، و یک شیوایی خالص رهایی یافته (موکته شیوا)^۱ قائل نیستند. حتی اعتقاد بر این بود که موکته شیوا همانند خدای شیوا-شکتی بر پنج عملکرد کیهانی، یعنی خلق و ایجاد، حفظ موجود خلق شده، قبض و ایجاد آن موجود، تقیید و رهاسازی انفاس، انهدام عالم هستی نیز قادرند، اما به خاطر روح پاکیزه و رها از خواسته‌های شخصی و نفسانی خود از انجام این امور خودداری می‌کنند.

۱.۷. جهان‌شناسی شیواپرستی کشمیری

شیواپرستی کشمیری، معتقد به جدایی جوهری ذهن و ماده است. جهان هستی، وجودی مستقل از کائنات دارد و توسط روح کلی یا خود اعلی (شیوا-شکتی) اداره می‌شود. این خود اعلی از طریق برانگیختن ماده اولیه مایای فاقد شعور (ناآگاه)، فراگیر و ابدی، ظهور پدیده‌ای عالم هستی را موجب می‌شود و از طریق قانون کرمه و چرخه سمساره، عالم را اراده می‌کند. آدمی از طریق اعمال خود گرفتار چرخه سمساره است، تا آنگاه که با پرستش و معرفت به ذات الوهیت (شیوا-شکتی)، از قید و بند وابستگی‌های مادی و جسمانی رها شود و به آزادی برسد.

انجام مراسم آیینی، معرفتی می‌آفریند که در پرتو آن، سالک عالم متکثر را مایا ببیند و خود اعلی را چون قدرت واحد در پس کثرات ظاهری مشاهده کند. این مشاهده تنها

حقیقت وجودی، منجر به رهایی از قیود جسمانی و بندهای مادی می شود و فرد از طریق عبادت و تمسک به شیوا به کمال شعور و آگاهی می رسد و خود مقید فردی را پرتوی از خود مطلق، یعنی شیوا می بیند. قدرتهای او با قدرت اعلی شیوا، یکی می شود، تا آنجا که تصور می کند که او شیوایی جدید شده است، شیوایی علیم و قدیر¹.

منابع

- Bhandarkar, R. D., *Vaisnavism Śaivism and Minor Religious Systems*, Delhi, 1965.
- Coomaraswamy, A., *The Dance of Shiva*, Noonday Press, New York, 1959.
- Crooke, W., "Hinduism", *Encyclopedia of Religion & Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1989.
- Dowson, John, *Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion: Geography, History and Literature*, New Delhi, 1973.
- Frazer, R. W., "Saivism", *Encyclopedia of Religion & Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1989.
- Geden, A. S., "Tantrism", *Encyclopedia of Religion & Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1989.
- Gonda, J., "Indian Religions", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Idom., *Visnuism and Śivaisam*, New Delhi, 1996.
- Kopper, W., "On the Origin of the Mysteries" *Mystic Vision*, Heinrich Zimmer & Ralph Manheim (ed. & trans.), New York, 1968.
- Lalan, P. S., *Tantra, its Mystic and Scientific Basis*, Delhi, 1976.
- Majumdar, R. C., *Ancient India*, Delhi, 1981.
- Moor, Edward, *The Hindu Pantheon*, New York, 1964.
- Stutley, Margaret & James, *A Dictionary of Hinduism*, London, 1985.
- "Tantric Hinduism", in *The New Encyclopedia Britannica*, Chicago, 1989.
- *The Hymns of The Rg Veda*, R. T. H. Griffith (ed. & trans.), 1963.
- Woodroffe, J., *Sakti and Sakta*, Madras, 1969.

1. Gonda, J., *Visnuism and Sivaisam*, p. 131.

- Zimmer, H., "The Indian World Mother", *Mystic Vision*, Heinrich Zimmer & Raleph Manheim (ed. & trans.), New York, 1968.
- Idem, *Myths and Symbols in Indian Art and Civilization*, New York, 1964.
- Idem, *Philosophies of India*, New York, 1951.